ابزار، قوام معنای حمد

شاگرد ۲: مشابه این حمدی که در اینجا بود، در ادعیه هست: «الحمدللّه حمدا حمدا حمدا». با گفتن این «حمدا» آن حمد حاصل میشود ای این نه؟ نکتهی آن چیست؟

استاد: یک خصوصیت حمد این است که آیا ابزار قوامش هست ای نیست؟ مثلاً معلوم نیست «شکر» به قلب هم میشود. ولی حمد ظاهراً قوامش به ابزار است. تا ثناء را ابزار نکنید، حمد نیست. ثنائی است که باید ابزار شود. خُب وقتی ابزار شد، آن چه که ابزارش کردم، یک چیزی را ابزار میکند. ام به الابزار مثل ام به الانشاء است. آن مبرز است و این هم ام به الابزار است. این مجموعه مصداق یک چیزی میشوند. آن وقت میگوید این مصداق، مصداق آنی باشد که ملائکه میگویند. من میخواهم ابزار کنم، ام به الابزاری دارم و مبرَزی دارم. مجموع ام به الابزار و مبرَز من، مصداق میشود. از مصداقی باشد که ملائکه انجام میدهند، از مصداقی باشد که ... .

شاگرد: پس گفتم این واژه، خودش حمد را میسازد؟

استاد: بله؛ قوام حمد به ابزارش است.

شاگرد: پس در همین عبارت «الحمد للّه الذی ارتضاه»، گفتن این «ارتضاه» میتواند باعث رضایت شود؟

استاد: این هم نکتهی خوبی است. قابل تقریر است. شبیه آن را علما، در اصول، دارند. میگویند: وضع بالاستعمال میشود ای نه؟ بحث خیلی لطیفی است. به نفس استعمال، وضع صورت میگیرد. در اینجا هم به نفس همین جمله، «ارتضاه» صورت میگیرد. نه ارتضایی که توصیف جنس باشد. «حمدا ارتضاه»، یعنی الآن با این دارم ارتضا را میآورم. معنایش هم درست است.

و الحمدللّه ربّ‌العالمین و صلّی اللّه علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 14:13:30 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 فوریه 2024 10:11:13 توسط ... .